

گالری گردی

وفاکیش:

طبیعت موضوع اصلی کارهای اخیرم است



● **شرق:** جمیله وفاکیش، از هنرمندان پیش کسوت نقاشی آثارش را در گالری الهه به نمایش گذاشته است؛ نمایشگاهی که به گفته خودش حاصل ۵۰ سال کار او در این شاخه هنری است. وفاکیش در گفت‌وگویی، از برگزاری تازه‌ترین نمایشگاه نقاشی اش گفت: «آثار به‌نمایش گذاشته شده در این نمایشگاه آثاری از دوران کاری‌ام است اما سهم بیشتر این آثار به‌تازگی نقاشی شده است. سال گذشته زمان زیادی برای کارم گذاشتم چراکه درصدد برگزاری نمایشگاه بودم و خوشحالم که سرانجام توانستم در رشته نقاشی از هنرستان به‌زاد و دانشکده هنرهای تزئینی است و تاکنون نمایشگاه‌های بسیاری در ایران و خارج از کشور داشته، درباره تم اصلی کارهایش گفت: موضوع نقاشی‌های من در این سال‌ها متفاوت بوده است. مدت‌هاست از تهران فاصله گرفته و در آرامش بیشتری روی آثارم تمرکز کرده‌ام و جالب است که موضوع نقاشی‌های من اکثرا طبیعت است و بسیاری از آنها ذهنی و تخیلی است. همان‌طور که در نمایشگاه اخیر، بیشتر نقاشی‌هایی با چنین موضوعاتی می‌بینید. او ادامه داد: خوشحالم‌که استقبال مخاطبان از نمایشگاه اخیرم خوب بوده و استادان گرامی این‌بار هم به من لطف داشتند و امیدوارم تا پایان نمایشگاه استقبال به همین صورت ادامه داشته باشد. وفاکیش زیرنظر استادان وقت؛ پنگر، ارجمندیا، جعفری، ژیار، شیدل و کاظمی تحصیل کرده است. او نمایشگاه‌های متعددی در ایران و خارج از کشور از سال ۱۳۵۲ تاکنون برپا کرده است. نمایشگاه نقاشی او تا ششم اردیبهشت در گالری الهه به نشانی بلوار آفریقا، بالاتر از تقاطع اسفندیار، کوچه کلفا، انتهای کوچه سمت راست، به‌ن‌بست امینی، پلاک ۳، از ساعت ۱۶ تا ۲۰ پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود.

زیر آسمان فیروزهای

چهار سالگی «هزارصد»

● **شرق:** پس از وقفه‌ای هفت ماهه، برنامه مسابقه موسیقی «هزارصد» ۱۶ اردیبهشت در فرهنگ‌سرای ارسباران برگزار خواهد شد. این برنامه که اولین برنامه معرفی استعدادها و چهره‌های تازه موسیقی فرهنگ‌سرای ارسباران آغاز و از همان ابتدا با استقبال گسترده علاقه‌مندان به موسیقی و خوانندگان جوان مواجه شد و هر ماه در آن بسیاری از چهره‌های برجسته موسیقی به داوری آثار و اجراهای بسیاری از چهره‌های مستعد و اغلب حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای موسیقی نشستند که بازتاب نسبتا گسترده‌ای هم در مطبوعات داشت. از جمله چهره‌های مطرحی که به داوری در این برنامه نشستند، استاد محمدعلی بهمنی، استادناصر چشم آذر، عبدالجبار کاکایی، فواد حجازی، افشین بداللهی، مانی رهنما، حمید حامی، پندرام کشتکار، محمدرضا صادقی، پویا نیکپور، مهرداد نصرتی، نیما مسیحا، بابک زرین، بنیامین بهادری، افشین مقدم، بابک صحرایی و بسیاری دیگر از چهره‌های مطرح موسیقی بودند که در زمینه آهنگ‌سازی و تنظیم، ترانه و خوانندگی به ارائه نظرات خود پرداختند. «هزارصد» در سال دوم خود، یعنی در سال ۱۳۹۳ بخش مسابقه ساز و آواز و تصنیف موسیقی دستگاهی ایران را هم به‌عنوان یک بخش مجزا به برنامه‌های خود اضافه کرد که آن برنامه هم اولین مسابقه رسمی سازو آواز در تاریخ موسیقی ایران بود و چهره‌های شاخته‌شده‌ای چون استادان نادر گلچین، عبدالحسین مختاباد، علی جهاندار، حسام‌الدین سراج، هادی منتظری، میلاذ کیایی، ناصر فیض، عباس سجادی، کیوان ساکت، مهران مهرنیا، حسین پرنیا، حسین علیشاپور و... در آن برنامه به ارائه نظرات خود و راهنمایی خوانندگان و گروه‌های جوان پرداختند. این برنامه بعدا با توجه به تغییر و تحولاتی که در مدیریت سازمان فرهنگی – هنری شهرداری تهران به وجود آمده بود، در فرهنگ‌سرای ارسباران متوقف شد و با مساعدت سیدعباس سجادی، مدیر هنرمند فرهنگ‌سرای نیاوران به آن محل انتقال یافت و هم‌اکنون با نظر مساعد مدیریت جدید سازمان فرهنگی – هنری شهرداری تهران به خالصه اصلی خود بازگشته است. بنابر اعلام آرش نصیری طراح، مدیر و مجری این برنامه، اولین برنامه هزارصدای سال ۹۵ در ساعت ۱۵ پنجشنبه شان‌زدهم اردیبهشت در فرهنگ‌سرای ارسباران آغاز خواهد شد. نصیری همچنین اعلام کرد اسامی داوران این برنامه تا آخر هفته جاری اطلاع‌رسانی خواهد شد.

در فیلم «مادرم»، نانی مورتی به روش قدیم فیلم‌سازی‌اش در رابطه با تحمل بار سنگین ازدست‌دادن یک عزیز، بازگشته است. موضوع این فیلم یادآور فیلم «اتاق پسر» است که ماجرای مرگ فرزند را به تصویر می‌کشد؛ با این تفاوت که فیلم «مادرم» به دلیل پرداختن به مرگ یک مادر که ترس مشترک همه انسان‌هاست، کلا جذاب‌تر است. مورتی با استفاده از پریزم فیلم‌سازی، این تجربه را بررسی کرده و کارگردانی این فیلم را به خانم کارگردانی محول می‌کند که در دوران فیلم‌برداری، مادری درحال‌مرگ را پیش‌روی خود داشته است. مورتی در اینجا یکی از تراژیک‌ترین فیلم‌های خود را ساخته و درعین حال قسمت‌هایی از فیلم به دلیل نقشی که به جان تورتورو داده و روش به‌صحنه آوردن پلات، تماشاگر را به خنده وامی‌دارد. تورتورو فهم عمیق سینمای مورتی را به نمایش می‌گذارد. نقش او هرگز سوگواری و واکنش احساسی فیلم را از بین نمی‌برد. فیلم «مادرم» در جشنواره بین المللی فجر اکران شده است. در واکنش به فیلم، منتقدان فرانسوی آن را به‌عنوان یک اثر بارزش هنری شناخته‌اند. درحالی‌که باره‌ای از منتقدان انگلیسی به دلیل اینکه داستان، پایان معناداری ندارد، آن را شایسته توجه زیاد نمی‌دانند. این موضوع دیدگاه فرانسوی‌ها را در مورد فیلم تغییر نداده و ازاهمیت آن نکاسته، تا جایی که Cahier de Cinema آن را بهترین فیلم سال ۲۰۱۵ شناخته است. مصاحبه‌ای که پیش‌رو دارید بعد از اکران فیلم «مادرم» در جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو انجام شده و از دیدک به بررسی موضوعات مطرح‌شده در فیلم می‌پردازد. به بهانه بخش فیلم در جشنواره بین‌المللی فجر این مصاحبه به فارسی منتشر شده است. ضمنا در این گفت‌وگو، از همکاری بی‌دریغ محمود خوش‌چهره برخوردار بودیم.

● **در شروع فیلم با استفاده از نمای چرتقیل، زاویه‌ای را انتخاب کرده‌اید که رو به پلیس باشد. با توجه به اینکه چشم‌انداز، نقش مهمی در فیلم‌برداری دارد، این کار را چگونه توجیه می‌کنید؟** باید بگویم که در اینجا اصل طرف پلیس را انتخاب نکرده‌ام. در آن صحنه من با کسی که با دوربین کار می‌کند، شوخی می‌کنم. مارگاریتا او را به دلیل اینکه صحنه تیراندازی را از فاصله بسیار نزدیک فیلم‌برداری کرده، توبیخ کرده است. فیلمی در فیلم است، صحنه‌ای است که به نظر می‌رسد واقعی باشد، ولی بعد ببینده متوجه می‌شود که فیلم است و واقعیت ندارد. بعد واکنشی است درباره ساخت فیلم، هنگامی که مارگاریتا اپراتور را سرزنش و او را متهم می‌کند که سادیسمتیک است. واکنشی درباره ساختن فیلم است و اینکه صحنه‌ها چگونه مجسم شوند و این کار را چطور باید انجام داد.

● **با توجه به این حقیقت که در گذشته‌ای نه چندان دور مادر خود را از دست داده‌اید. کار روی این پروژه سخت‌تر از سایر کارهایتان نبود؟**

نه چندان. هنگام نوشتن برای اینکه موضوع را عمیقا موردتوجه قرار دهم، به یادداشت‌هایی که در دوران بیماری مادرم نوشته بودم، مراجعه می‌کردم. تجربه بسیار درکنای بود.

● **علاوه بر یادداشت‌هایتان از چه منابعی برای نوشتن فیلم‌نامه استفاده کرده‌اید؟**

مطالبی را خواندم و فیلم‌هایی را تماشا کردم ولی به دلیل کمبود وقت نتوانستم از آنها استفاده کنم. من «زن دیگر» ساخته وودی آلن را تماشا کرده و قصد داشتم «عشق» ساخته هانیک را هم ببینم ولی نتوانستم. می‌خواستم «یادداشت‌های سوگواری» اثر رولان بارت را هم بخوانم. خاطرات روزانه‌ای که او پس از مرگ مادرش نوشته است. یکی از دوستانم آن را در روزهای سخت سوگواری خوانده و آرامش یافته بود. او به من هم پیشنهاد کرد آن را بخوانم. ولی من نتوانستم آن را بخوانم زیرا احساساتم را به‌شدت جریحه‌دار می‌کرد.

● **مارگاریتا از هنرپیشه زن می‌خواهد دیالوگ را به زبان بیابورد و هم‌زمان از آنها خواسته می‌شود که خودشان باشند. در اینجا تناقضی به چشم می‌خورد.**

یک چیزهایی است که شما خودت انجام می‌دهی

خاطره، آسیب روحی و سوگواری در گفت‌وگوی «شرق» با «نانی مورتی»

ورای هر چیزی سیاست را می‌بینید

امیر گنجوی، ترجمه: زینب حق‌شناس



دهید؟

فیلینی برای تهیه‌کننده و تماشاگر ایتالیایی نقش پیشینه فرهنگی دارد. ممکن است بعضی صحنه‌ها و فضاهای مشخص که یادآور فیلم‌های او هستند، فی‌البداهه در فیلم پدیدار شوند ولی منظور من این نبوده که فیلم به‌طور آشکار تداعی‌کننده فیلم‌های فیلینی باشد. من صحنه صف را در رؤیا گنجانده‌ام تا دوران طولانی گذشته را که فیلم‌ها در همان فضای تئاتر به نمایش گذاشته بودند، بازسازی کنم. من می‌خواستم فضای آن زمانی را که مردم به تماشای فیلم «بال‌های اشتیاق- زیر آسمان برلین» ساخته وندرز می‌رفتند، بازسازی کنم. در مورد پتری قصد من این بود که فیلم مارگاریتا را از زندگی شخصی او جدا کنم. نمی‌خواستم حاصل کارم بازی آینه‌ها میان فیلم و زندگی شخصی او باشد. واقعا می‌گویم، من کسانی را که به خاطر اجرای نقششان در گذشته دوست داشتم این کار را بکنم ولی از این به بعد این کار موضوعیتی ندارد. چیزی که در نظر داشتم این بود که نقش اصلی را یک زن ایفا کند و دلیش هم خیلی ساده بود: یک زن بسیار بهتر از من از عهده این نقش برمی‌آید. نکته آخر همان است که مارگاریتا به بازیگران می‌گوید، من کسانی را که به خاطر اجرای نقششان در فیلم، شخصیت خود را کاملا نابود می‌کنند، دوست ندارم.

● **ولی این‌طور احساس می‌شود که فیلم بیشتر راجع به خود شماست...**

قرار نیست این فیلم به‌عنوان اعتراف‌نامه خودم به حساب آید. این یک زندگی واقعی نیست، ترکیبی از نقش آفرینی‌ها، فریحه و انتخاب‌هاست. حالا که این را می‌کنم، شوخی می‌کنم. مارگاریتا او را به دلیل اینکه صحنه تیراندازی را از فاصله بسیار نزدیک فیلم‌برداری کرده، توبیخ کرده است. فیلمی در فیلم است، صحنه‌ای است که به نظر می‌رسد واقعی باشد، ولی بعد ببینده متوجه می‌شود که فیلم است و واقعیت ندارد. بعد واکنشی است درباره ساخت فیلم، هنگامی که مارگاریتا اپراتور را سرزنش و او را متهم می‌کند که سادیسمتیک است. واکنشی درباره ساختن فیلم است و اینکه صحنه‌ها چگونه مجسم شوند و این کار را چطور باید انجام داد.

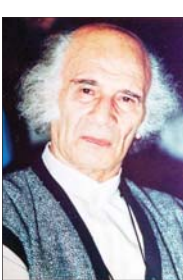
● **چ‌چه بازی باعث شد از جان تورتورو برای ایفای نقش در فیلمتان استفاده کنید؟**

این تصمیم را به این دلیل گرفتم که او شخصیت جالبی دارد. روش بازیگری او را دوست دارم چون خیلی طبیعی بازی می‌کند. از آن بیشتر، او مقداری ایتالیایی هم می‌داند و ما از قبل همدیگر را می‌شناختم. او چندان تا از فیلم‌های مرا تماشا کرده و با سلیقه من کاملا آشناست. بالاخره او کارش تهیه‌کنندگی فیلم است و همیشه کارکردن با بازیگرانی که درک خوبی از کارگردانی دارند، آسان‌تر است.

● **به نظر می‌رسد در فیلم شما از آثار البوت پتری به‌طور به طبقه کارگر البته با نوعی چرخش استفاده شده است. مثلا صحنه‌های کارخانه و اعتراضات، مرا به یاد پتری می‌انداز. اگرچه شما موضوع را معکوس کرده و به جای کارگر، سرمایه‌دار را نشانه می‌گیرید. جهان ماریا ولوتنه که بازیگر نقش اول فیلم پتری است، در فیلم شما به جای جان تورتورو نشسته است. در صحنه رؤیای مارگاریتا که او در صف سینما قدم می‌زند، مادرش را می‌بیند و حیوانی به سمت او می‌آید و به او می‌گوید برای یک بار هم که شده کار جدیدی بکند و الگویی را که مدت‌هاست تکرار می‌کند، کنار بگذارد. این صحنه خیلی مرا به یاد هشت‌ونیم فیلنی می‌اندازد که با قطعیت مشکل دارد و نمی‌داند داشت و تا زمانی که در انتظارش بود، در دانشگاه بودی که به نام دخترش «مهشا» است که در سال ۷۷ به صورت کشیده شده و بعد از آن به تجویز پزشکی و از آنجا که دستاش دیگر او را یاری نمی‌دادند، نتوانست نقاشی کند. یکی دیگر از اقدامات او تأسیس هنرستان هنرهای زیبای دختران و پسران به درخواست اداره هنرهای زیبا و مقدمات تأسیس دانشکده هنرهای تزئینی بود. هنوز هم ساختمان‌های قدیمی هر دو هنرستان در بیچ شیرمان با قدمت ۶۳ سال پابرجا مانده‌اند هرچند که این روزها نام آنها نه به‌دلیل قدمت و ساقیه‌ای که در آموزش هنرهای تجسمی و پرورش نقاشان، مجسمه‌سازان یا عکاسان شناخته‌شده خیرساز شده بلکه حذف رشته نقاشی که یکی از پایه‌ای‌ترین رشته‌های هنرستان‌ها بوده،**

به بهانه تولد جلیل ضیاپور

عکسی که هنوز روی دیوار پابر جاست



و اطرافیان بود. مهشا ضیاپور، دختر این نقاش که او نیز مدرس هنر است، در مورد این دغدغه به «شرق» گفت: «بدر تا آخرین لحظه‌ای که در قید حیات بود، دغدغه تدریس داشت. او رابطه بسیار نزدیکی با دانشجویانش داشت و در هنر تدریس می‌کرد، ارتباط با نسل جوان حفظ شد، بعد از آن هم تعدادی از این دانشجویان که رابطه دوستانه‌تری با پدر داشتند، با او در تماس بودند و از همین طریق بود که حتی تا لحظه‌های پایانی هم درحال انتقال دانش خود و تجزیه و تحلیل و نقد هنر بود». نوشتن و نقد در هنر البته برای او در شرایطی که جامعه کمتر با هنرهای نوین آشنا شده بود و همچنان هنر غالب، نقاشی از طبیعت بود، به‌دور از دشواری هم نبود. جمله‌هایی که ضیاپور را هاندازی کرده بود با عنوان‌های کوبیسم و کوبر توقیف شدند. بااین‌حال شهرت ضیاپور تنها به‌واسطه نظریاتی که در هنر آن روز مطرح می‌کرد،

هنر

یک اتفاق ساده

جشنواره جهانی فیلم فجر در یک کشور دشمن برگزار نمی‌شود



کیوان کتیریان

● گاهی فکر می‌کنم چه اتفاقی می‌افتد که بعضی همکاران ما در برخی رسانه‌ها تا این اندازه با موضعی خصمانه و منفی از هیچ تلاشی برای تخطئه یک رویداد مهم بین‌المللی که در کشور خودمان برگزار می‌شود، دریغ نمی‌کنند. چرا دلمان نمی‌خواهد یک جشنواره آبرومند در کشورمان داشته باشیم؟ چرا کمک نمی‌کنیم این جشنواره مسیر بهترشدن را طی کند؟ گاه طوری برخورد می‌شود که انکار این جشنواره در یک کشور دشمن برگزار می‌شود و ما موظفیم به هر قیمتی علیه آن بنویسیم، سرکوبش کنیم و حتی به‌دروغ کم‌رینق جلوه‌اش دهیم. گاهی در تمایلات ملی آدم‌ها می‌شود شک کرد و می‌شود از این میزان حقد و حسد جگفته‌زده شد. جشنواره جهانی فیلم فجر این روزها در تهران در حال برگزاری است. روزانه بالغ بر چهارهزارنفر در پردیس چارسو در رفت‌وآمدند، غالب آثار ایرانی که برای نخستین‌بار به نمایش درمی‌آیند بین ۸۰ تا صددرصد طرفیشتان پر شده‌اند، بیش از ۱۰ فیلم خارجی بدون حتی یک صندلی خالی روی پرده رفته‌اند، بارهاوبارها مسئولان چارسو ناچار شدند صندلی‌های پرتابل وارد سالن کنند تا تعداد بیشتری از علاقه‌مندان بتوانند از فیلم‌ها استفاده کنند، چندین سانس فوق‌العاده داشته‌ایم و همه اینها در حالی است که داریم درباره فیلم‌های خارجی حرف می‌زنیم. این استقبال از فیلم‌هایی که به‌راحتی در شبکه غیررسمی می‌توانند در دسترس قرار گیرند، برای جشنواره‌های بین‌المللی بسیار جالب توجه است. دوستانی که تنها در کار شمردن صندلی‌های خالی هستند، چرا درباره سالن‌های پر و صندلی‌های اضافه حرف نمی‌زنند؟ چرا درباره ورک‌شاپ‌های پروپیمان و درجه‌جی حرف نمی‌زنند که با ازدحام بی‌سابقه و کیفیت بالا برگزار می‌شوند؟ چرا درباره پیوند جشنواره با دانشگاه خفتی نمی‌گویند؟ چرا درباره اینکه در روز بالغ بر پنج‌هزارنفر به کاخ وارد می‌شوند چیزی نمی‌گویند؟ چرا سینماگران مطرح و طراز اولی که در کاخ حاضر می‌شوند و از شیوه و کیفیت برگزاری اظهار شگفتی می‌کنند را نادیده می‌گیرند؟ چرا سوابق میهمانان خارجی جشنواره را انکار می‌کنند؟ چطور برنامه‌ریزی استفاده حداکثری از حضور میهمانان خارجی را نمی‌بینند؟ چرا ادبیاتی سیخف، روز یوزر نقشه به‌دنبال چین و آمریکا و آلمان و ایتالیا و فرانسه و هند و ده‌ها کشور دیگر می‌گردند؟ چطور ازدحام و استقبال‌ها را نمی‌بینند؟ اصلا چرا همه عادت کرده‌ایم با ازدحام و زیر دست‌وپاماندن فیلم ببینیم تا اسم جشنواره را بگیریم پرشور؟ اگر با آرامش و احترام و نظم فیلم ببینیم و از برنامه‌ها استفاده کنیم بهمان نمی‌چسبید؟ اگر حاشیه‌ی و جنجال مزاحم دورمان نباشد، معذب می‌شویم؟ سسی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر به گواه آنها که انصاف را فراموش نکرده‌اند، اعم از اهل رسانه و هنرمندان و علاقه‌مندان، یک اتفاق غرورآمیز برای سینمای ماست. تلاش شده با ایجاد یک فضای مفید، آرام و توأم با احترام، از همه جهات استانداردهای یک جشنواره جهانی مراعات شود. بی‌شک کم‌وکاستی هم دارد ولی این آغاز راه یک جشنواره درست‌ودرمان در ایران است، جشنواره‌ای که بشود به آن بالید حتی اگر حاشیه‌سازان و کارشکنان نخواهند.

خبر سازان

حافظ ناظری پیشنهاد بازی در «قاتل اهل» را رد کرد

● **شرق:** حافظ ناظری پیشنهاد بازی در فیلم «قاتل اهل»، به کارگردانی مسعود کیمیایی را رد کرد. ناظری در یادداشتی نوشت: «دوستان عزیزم چندروز پیش در یک جمع خودمانی به دعوت هنرمند برجسته و تواندیش، جناب مسعود کیمیایی عزیز، به‌همراه پدرم حضور پیدا کردم که در آنجا صحبت و پیشنهاد حضور من در فیلم جدید ایشان به عمل آمد. بعد از آن نشست با توجه به شرایط فیلم و برنامه‌های فشرده من پیرامون برگزاری کنسرت‌های «ناگفته» که از هفته آینده آغاز می‌شود و ضبط اثر دومم که باید در خارج از کشور انجام دهم، شرایط را برای حضورم در این فیلم مناسب نمی‌دانم. چراکه من دوست دارم اگر در کاری حضور پیدا می‌کنم با تمام توان، دقت و تمرکز به آن بپردازم و با توجه به شرایط کنونی‌ام این امکان برایم فراهم نیست. این اولین‌باری نیست که پیشنهاد بازی در یک فیلم سینمایی به من داده می‌شود. بی‌شک حضور در فیلم استاد مسعود کیمیایی برای هر فردی باعث افتخار است. امیدوارم این افتخار در زمانی بهتر نصیب من شود. دلیل سکوتم در این چندروز هم این بود که نمی‌خواستم به این حواشی دامن بزنم ولی افزایش فشار رسانه‌ها و افکار عمومی من را وادار به بیان این توضیحات کرد. در پایان از همه شما عزیزانم بابت کاهنت‌های مهربانه و دلواپسانه شما متشکرم. یک تشکر صمیمانه هم از اصحاب رسانه دارم که در ایسن مدت تا این حد به من لطف داشتند و یک عذرخواهی هم به‌خاطر عدم پاسخ‌گویی پیرامون این مسئله به‌هکاکرم.»